

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۸)

سهراب سعیدی^۱

فاطمه مدرسی^۲

چکیده

بخشی از فرهنگ مردم ایران متأثر از موجودات سحرآمیز اساطیری وهمی و نامرئی چون غول، دیو، پری و ... است. در گذشته باور به این موجودات وهمی و نامرئی زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌داد. برآیند این جستار نشان می‌دهد که مردم هرمزگان به دو دسته موجودات خیرسان خوش‌یمن و شرسان بدیمن باور داشتند. موجودات خیرسان نیکو همچون پری، پری‌دریایی، همزاد و تمبولک و موجودات شرسان خبیث و بدیمن مانند دیو، ذیح، گوش‌گلیمی، غول و سایر موجودات بودند. همچنین یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که تعداد موجودات شرسان در فرهنگ هرمزگان بیشتر از موجودات خیرسان نیکو می‌باشد. بسیاری از این موجودات نیز با زیست جغرافیایی ساحلی و مشاغل پیرامونی آن ارتباط دارند.

شناخت این موجودات خیالی امکان تولید انیمیشن‌های جذاب را برای مخاطبان کودک، نوجوان و جوان فراهم می‌کند. امروزه شرکت‌های رسانه‌ای بین‌المللی با استفاده از موجودات اسطوره‌ای و خیالی خود در صدد بسط و گسترش فرهنگی خود در میان جوانان ملل دیگر هستند. به همین دلیل استفاده از فرهنگ‌های محلی و بومی ایران که گنجینه‌های غنی از این کاراکترها دارند، می‌تواند تولیدات داخلی و بین‌المللی جذابی را در سطحی وسیع پوشش دهد. روش پژوهش این مقاله توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: موجودات وهمی، موجودات خیرسان، موجودات شرسان، موجودات خیالی هرمزگان، گوش‌گلیمی، تمبولک.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر فرهنگ عامه میناب، (نویسنده مسئول) رایانامه:

sohrab_minab@yahoo.com

fatemeh.modarresi@yahoo.com

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه ارومیه، رایانامه:

مقدمه

فرهنگ نظام پیچیده‌ای از کنش‌های اجتماعی است که کنشگرانش در چالش مدام دیروز و امروز غوطه‌ورند. آگوست کنت^۱ جامعه را متشکل از زنده‌ها و مرده‌ها می‌داند (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۴: ۵۱). به عبارتی آنچه میراث فرهنگی یک گروه قومی است، در زندگی اجتماعی کنونی او نیز ساری و جاری است. هرچند دیروز با گذر زمان به پایان رسیده، اما اعتقادات و باورهایش را برای آیندگان به میراث گذاشته است. بی‌شک این اعتقادات و باورها در این جریان گذار، رنگ و بوی جدیدی پیدا کرده یا در قالب و نظام جدید عرضه شده است. «در واقع آنچه امروز فرهنگ می‌نامیم در جهان باستان برابر اسطوره و آئین بوده است» (بهار، ۱۳۷۳: ۱۹۹).

بی‌تردید موجودیت و بقایای اعتقادات اسطوره را در ساختار اجتماعی و فرهنگی اقوام نمی‌توان انکار کرد. هر چند انسان مدرن، دیگر اعتقادی به خدایان و نیروهای محیرالعقول ندارد و اساطیر را نه باورهای کهن که خرافه‌های مردم پیشین می‌داند، اما ناخواسته، باورهای پیرامون اسطوره‌ها بر کنش اجتماعی و حتی عقلانیت او اثرگذار است. اینجاست که مطالعات فرهنگی در حوزه فولکلور اهمیت می‌یابد و به صورت‌های مختلف انجام می‌شود. ادبیات شفاهی به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ مردم در مطالعات فرهنگی جایگاه والایی دارد و از سوی دیگر بررسی اعتقاد به موجودات وهمی و اساطیری از ارزش خاصی برخوردار است. در این مقاله، موجودات وهمی به دو دسته تقسیم شده‌اند: وهمی خوش‌یمن اهورایی و موجودات اهریمنی بدنهاد. با این تقسیم‌بندی می‌توان رد پای اساطیری یک قوم را در ادبیات شفاهی آن قوم جستجو کرد و از این طریق بستری برای پژوهش‌های عمیق‌تر به ویژه در حوزه‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی فراهم آورد.

هر جا که تاریخ و باستان‌شناسی از سخن گفتن بازمی‌مانند این اسطوره‌ها هستند که لب به سخن می‌کشایند و درباره دنیای پر رمز و راز مطالبی را بازگو می‌کنند تا در شناخت فرهنگ و تمدن‌ها مؤثر واقع شود. اساطیر ایران باستان در این دنیای پر رمز و

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۹۵

راز جایی والا دارند و شناخت آن‌ها رهنمون ما در شناخت فرهنگ غنی و پرارزش این سرزمین است. استان هرمزگان که قسمتی از مرز آن را خلیج فارس و دریای عمان دربردارد و قسمتی‌هایی را کوه و خشکی، دارای موجودات وهمی و اساطیری است که تعدادی مربوط به خشکی و تعدادی دیگر مربوط به دریا هستند. این مقاله، در پی آن است تا مجموعه جامع و ساده‌ای از این اسطوره‌ها را در اختیار مخاطب بگذارد با این توضیح که تا کنون در زمینه اساطیر هرمزگان مقاله و کتابی انتشار نیافته است. پژوهشگرانی که در حال حاضر به گردآوری و تدوین فرهنگ مردم شهرهای مختلف هرمزگان مشغول‌اند صفحاتی از کتاب و پژوهش خود را به ذکر باورها و عقاید اختصاص داده‌اند اما همه اساطیر را شامل نمی‌شود، البته فاطمه دژگانی (۱۳۹۳) کتاب باورهای سینه به سینه هرمزگان را در انتشارات دارالتفسیر قم منتشر کرده است و نگارنده - سهراب سعیدی - (۱۳۹۳) نیز کتاب باورها و عقاید عامیانه مردم هرمزگان را به رشته تحریر آورده، اما به اساطیر هرمزگان تا به حال پرداخته نشده و این مقاله نقطه آغاز این راه است.

روش پژوهش این مقاله کتابخانه‌ای و با بررسی اسناد و مدارک موجود و گردآوری اطلاعات میدانی با تکنیک مصاحبه با افراد مطلع بومی صورت گرفته است.

اساطیر و فرهنگ مردم

فرهنگ مردم در ابعاد گوناگون آن در میان هر ملتی از قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، پند و اندرزها، استعارات، کنایات، کلمات قصار، زبانه‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها، گویش‌ها و به‌طور کلی آنچه ادبیات شفاهی خوانده می‌شود و همچنین اساطیر و حماسه‌ها تشکیل شده که همگی آنها بازتاب احساسات قومی و ملی در درازنای تاریخ پر فراز و نشیب خود است. آثاری است که در اعماق تاریخ حیات انسان‌هایی که در آغاز خلقت در این کره خاکی در دنیای تخیلات کوچک و بزرگ خود تصورات و گاه توهماتی داشته‌اند، ریشه دارد و شاید همین برداشت‌های ذهنی آنان امروزه خمیرمایه فرهنگ و ادبیاتی است که ما آن را ادبیات شفاهی می‌گوییم. فرهنگ مردم را می‌توان به دو بخش کلی

۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دانش تجربی و ادبیات شفاهی تقسیم کرد. به عبارت دیگر، فرهنگ مردم از یک سو با انسان‌شناسی و از سوی دیگر با ادبیات ارتباط دارد. مثلاً بخش‌هایی که به آداب، معتقدات، جشن‌ها و مسائلی از این قبیل ارتباط دارند، بیش از هر چیز به انسان‌شناسی نزدیک هستند و اجزایی مانند افسانه‌ها، اساطیر، قصه‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، امثال و حکم و مانند آنها در حوزه ادبیات قرار می‌گیرند.

باید اذعان داشت که اسطوره هم در ساده‌ترین و معمولی‌ترین معنا، نوعی سرگذشت یا داستان است که معمولاً به خدا یا رب‌النوع و موجودی الهی مربوط می‌شود. اسطوره بدین مفهوم، با فرهنگ‌های ابتدایی یا دوره‌های کهن فرهنگ‌های پیشرفته پیوسته است. وقتی بعضی جلوه‌های دوران‌مان را اسطوره می‌نامیم، معنای ضمنی آن این است که آن جلوه‌ها، صورت‌های تثبیت شده یا بقایای گذشته‌اند.

در هر اسطوره، عناصری از رخداد‌های تاریخی، واقعیت‌های اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نظام‌های اعتقادی - آیینی با یکدیگر درآمیخته است. رمز استمرار و پایداری اسطوره‌ها در میان نسل‌های گوناگون بشری و در دوره‌های پیاپی زندگی اجتماعی مردم، وجود بن‌مایه‌های نیرومند فرهنگی - اجتماعی و دینی آنهاست. در این بخش، به موجودات اساطیری و وهمی در هرزگان پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که افکار و اعتقادات بومی از جمله یادگارهای فرهنگی هستند که ریشه در زندگی مردم آن دیار در درازنای تاریخ کهنسال سرزمین مردم آن مرز و بوم دارد. فرهنگ هر قوم و ملتی ترکیبی از اعتقادات، باورها، اسطوره‌ها، آئین‌ها و مراسم و به طور کلی شیوه و الگوی زندگی است که در طول تاریخ توسط پیشینیان و اجداد آنها ساخته و پرداخته شده و طی فرایند جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و موجب تداوم و حفظ الگوهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود، هر چند ممکن است الگوهایی که میراث گذشتگان است در گردش روزگار دچار دگرگونی و تغییر شده و مورد بازنگری نسل‌های بعدی قرار گیرند.

گفتنی است گستردگی فرهنگ عامه و حضور باورها و اعتقادات خاص در متن جامعه چنان وسیع است که گاه اعجاب آدمی را برمی‌انگیزد. با آنکه میزان پایداری افراد مختلف به معتقدات یکسان نیست، هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که به کلی ساحت

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۹۷

زندگی خود را از آنها تهی ساخته باشد. به سخن دیگر، دامنه و گستره باورها تنها مربوط به قشر خاصی نمی‌شود و چه بسا بتوان افراد تحصیل کرده‌ای را با این باورها مشاهده کرد. برخی باورها ریشه در ویژگی‌های روحی و روانی افراد دارند و در شمار میراث مشترک بشری هستند. با این حال باید پذیرفت که برخی باورها بر واقعیت‌های محکمی بنا نهاده شده‌اند. در کتاب *باورهای مردم کرمان* آمده است با آنکه «غیرمنطقی بودن»، «جاهلانه بودن»، «خیالی بودن» و «هیجان‌انگیز بودن» ویژگی‌های اساسی و مشترک قسمت عمده باورها هستند، «از این نکته نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که باورها تأثیر غیرقابل‌انکاری بر رفتار انسان‌ها دارند و ملاک و معیار غیرمنطقی، جاهلانه، خیالی و هیجانی بودن پدیده‌ها و امور در میان افراد مختلف، متفاوت است. بسیاری از باورها جنبه شخصی به خود می‌گیرند و از شخصی به شخص دیگر از نظر معنا متفاوت می‌شوند. بسیاری از باورها نیز نسبی و مقید به زمان و مکان خاص هستند. پیشرفت دانش بر باورهای زندگی نقشی غیرقابل‌انکاری داشته است. زیستن در مکان‌های مختلف باعث می‌شود عوامل محیطی هراس‌آور که از هر مکان به مکان دیگر تفاوت دارند، در شکل‌گیری باورهای هر مکان تأثیر بگذارند و سبب ایجاد باورهایی خاص در مناطق جغرافیایی خاص شوند» (صرفی، ۱۳۹۱: ۳۹۹).

بیش از یک سده است که اندیشمندان آرا و نظریه‌های متفاوتی درباره مفهوم اسطوره مطرح کرده‌اند. در میان دانش‌های اجتماعی، مردم‌شناسی بیش از دانش‌های دیگر به شناخت اساطیر اقوام گوناگون جهان و تجزیه و تحلیل ساختار اجتماعی و فرهنگی اسطوره و نقش و اهمیت کارکردی آن در جامعه، به ویژه جامعه‌های ابتدایی، پرداخته است. «در اندیشه آریاییان، همیشه نوعی دوگانگی جای داشته است: تعارض میان خوب و بد. این شیوه تفکر، هسته اصلی و زیربنای اندیشه‌ای آیین‌های ایران باستان را نیز تشکیل می‌دهد. در ایران و در آیین مزدیسنا، همان‌طور که بدی در مقابل خوبی است، اهریمن نیز در برابر اورمزد و سپندمینو قرار می‌گیرد» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۳۹). بر این پایه، موجودات وهمی در هرمزگان نیز به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌شوند. با این توضیح که قسمت عمده‌ای از باورها؛ اساطیر و موجودات

وهمی هستند که خواص شهرنشین و نسل جوان این باورها را به عنوان خرافات محکوم می‌کنند، بعضی دیگر هم از آنها فاصله می‌گیرند ولی منکرشان نمی‌شوند.

موجودات خیرسان

در هرمزگان چهار نوع موجود وهمی خوش‌یمن خیرسان به نام پری، همزاد، تمبولک^۱ و پری دریایی وجود دارد که هر چند وهمی هستند اما آسیبی به کسی نمی‌رسانند. در اینجا با توجه به اساطیر ملی و بومی، به معرفی آنها پرداخته می‌شود.

۱. پری: «پری موجودی افسانه‌ای، بسیار زیبا و فریباست که اغلب در میان درختان سکونت دارد. در طی قرن‌ها، شخصیت او بارها دگرگون شده، گاه مظهر پلیدی و بدخواهی و گاه چون فرشته و به گفته حافظ از هر عیبی بری است؛ گاه همراه جادوان است و گاه با جن یکسان» (افشاری، ۱۳۸۷: ۴۷). در اعتقاد مردم هرمزگان گروهی از اجنه، پری‌هایی هستند که دارای صورتی بسیار زیبا و قلبی مهربان و رئوفاند، ولی اگر انسان بدون گفتن نام خدا به محل پری‌ها که جنگل، کوهسار، چشمه و قنات است نزدیک شود، یا با بچه‌های این پریان برخورد کند و باد آنها به انسان برخورد نماید، بیمار می‌شود. گاهی هم موجب دیوانگی فرد می‌شوند و راه نجات از این بیماری در باور مردم، مراجعه به دعانویس است. آنها به خودی خود هیچ آزار و اذیتی به انسان نمی‌رسانند. برخی معتقدند «پریزادها اهل حساب کردن و مسلمان هستند و همه کس نمی‌تواند آنها را ببیند مگر انسان‌های صالح و پاک. با بسم‌الله و سلام مخالف‌اند و در صورت گفتن این کلمات از نظر ناپدید می‌شوند. اگر کسی یکی از دختران آنها را ببیند و بسم‌الله بگوید، همه به جز آن دختر ناپدید می‌شوند و آنگاه ملای جن‌ها می‌آید و عقد نکاح او را با آن انسان می‌بندد. دختر پریزاد را نمی‌شود به شهر یا روستا برد، بلکه باید او را در بیابان نگه داشت. لباس پریزاد بلند است و می‌گویند هر کدام حدود صد من طلا دارند» (فلسفی میاب و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۳۳).

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۹۹

در استان هرمزگان، عده‌ای از مردم بر این باورند که پری‌ها فقط در میان درخت‌ها هستند، اما برخی اعتقاد دارند که پری هم در دریا و هم در خشکی وجود دارد. «با وجود اهریمنی بودن پری در بسیاری از ادیان از جمله دین زرتشتی، در باور عامیانه مردم هرمزگان، پریان به عنوان ساکنان درخت، از حضوری مثبت و اهورایی برخوردارند. آنان گاه همچون زنان نیکوچهره ظاهر می‌شوند و مردان را شیفته خود می‌کنند» (انصاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). اینکه پری‌ها بر روی درختان دیده می‌شوند، در فرهنگ کشورهای دیگر هم هست «در سراسر آسیای جنوب شرقی، بر روی بنیان^۱ فرشتگان و پریان سکنا دارند» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۲۵۸). در اساطیر انگلستان «نارون به عنوان درخت پریان شناخته می‌شود؛ زیرا با جن و پری در ارتباط است» (اسماعیل پور، ۱۳۸۹: ۴۲۳) در اساطیر اسکاندیناوی «نورن‌ها پریانی هستند در کنار یک چشمه مقدس، زیر یکی از ریشه‌های درخت کیهانی زندگی می‌کنند» (کاوندیش، ۱۳۹۰: ۳۲۶). در اساطیر روم، کامن‌ها، پریان چشمه‌ها و جنگل‌ها هستند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹۳). در اساطیر یونان و روم «انبونئا یکی از پریان و از بنام‌ترین نهان‌دانان پیشگوی ایتالیا در جنگلی نزدیک تیبو زندگی می‌کند» (همان: ۳۶).

بر پایه آنچه بدان اشارت رفت، می‌توان گفت که پری در میان اقوام گذشته چهره‌ای مثبت دارد. حال آنکه با ظهور زرتشت در آیین ایرانی، پریان قداست پیشین خود را از دست داده، سرشتی شرور و بدخواه یافتند. با نگاه اجمالی به متون زرتشتی می‌توان به صحت این پندار پی برد. پری در *اوستا*، *پئیریکا* است و آن عبارت است از یک وجود لطیف بسیار جمیل و از عالم غیرمرئی که به واسطه حسن و جمال خارق‌العاده خود انسان را می‌فریبد. در سایر قسمت‌های *اوستا*، پری جنس مونث جادو است که از طرف اهریمن گماشته شده تا پیروان آیین مزدیسنا را از راه راست منحرف سازد و از اعمال نیک بازدارد» (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۵). از جمله پریانی که در *اوستا* بدان اشاره شده می‌توان از: «موش پری و خنائیتی یاد کرد. خنائیتی پری است که گرشاسپ با او همخوابگی داشت. در *زند و نندیداد* از پری تحت عنوان «دیو زن» یاد می‌شود» (افشاری،

❖ ۱۰۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱۳۸۷: ۴۷). در اساطیر ایرانی، پری‌ها از نسل فرشتگان تبعیدی از بهشت هستند که در صورت توبه کردن به بهشت بازمی‌گردند. در منابع قدیمی‌تر، آنها عاملان شیاطین بودند، ولی در منابع جدیدتر تبدیل به موجودات غیر شر شدند. پری‌ها موجوداتی بالدار، بسیار دلنشین و با ظاهر فرشته آفریده شده‌اند. به نظر می‌آید در طبقه‌بندی موجودات اسطوره‌ای، آنها آفریده‌هایی مابین فرشته و ارواح شیطانی هستند. پری‌ها گاهی اوقات به دنیای میرا (جهان ما) مسافرت می‌کنند.

۲. **پری دریایی:** پری دریایی در فرهنگ مردم، یک موجود افسانه‌ای آبری است که سر و تنه‌ای به شکل یک زن زیبا و دمی شبیه به ماهی دارد. پری دریایی، در بسیاری از افسانه‌ها این‌طور تصویر شده است که در کنار ساحل دریا می‌ایستد و با یک دست در حال شانه کردن موهای بلندش است و در دست دیگرش آینه‌ای را نگاه داشته است. در قصه‌های بسیاری، پریان دریا، غالباً به پیشگویی اتفاقات آینده می‌پردازند، گاهی از روی اجبار، نیروهای فراطبیعی خود را به انسان‌ها می‌بخشند و گاهی عاشق انسان‌ها شده، یا با فریفتن انسان‌های فانی که دل در گرو عشق آنها بسته‌اند، آنها را به قعر دریا می‌برند. اما چون در صورت عادی هیچ اذیتی به آدمیان نمی‌رسانند جزء موجودات وهمی کم‌آزار یا بی‌آزار به حساب می‌آیند.

پریان دریایی عاشق جاشوان^۱ زبده، ماهر و معروف‌اند، هرگاه هوا توفانی می‌شود و جاشوان با قایق‌های خود بر امواج دریا حرکت کنند، این موجودات که از شجاعت ملوانان خوششان می‌آید، سر از آب بیرون می‌آورند و سعی می‌کنند که جاشوان را برای کامیابی از آن خود کنند.

۳. **همزاد:** همزاد در فرهنگ مردم هرزگان جن‌زادی است که همزمان با فرد متولد و گاه موجب آزار همزاد انسان خویش می‌شود و گاه او را به سعادت و ثروت می‌رساند و در بسیاری از قصه‌های شفاهی قهرمان قصه با همزادهای خویش رابطه‌ای دوستانه دارد. مادران در لالایی‌ها و بسیاری از قصه‌ها دعا می‌کنند که خواب چشم، گوشت بدن و هر چه خوبی که همزاد پسرشان دارد به پسر آنان برسد. «هر موجود زنده همزادی دارد که

۱. ملوانان

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۰۱

در یک زمان مشخص با شخص زاده می‌شود و او را از بدو زایش تا پایان زندگی همراهی می‌کند. این همزاد، از تمام کارهای فرد پشتیبانی می‌کند و آسیب هر یک از آنها مرگ دیگری را به همراه دارد» (انصاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۳). اعتقاد به همزاد در فرهنگ بیشتر کشورها وجود دارد و در اساطیر زیاد بدان پرداخته شده است: «همزاد، کودکی است که در شکم مادر پرورش می‌یابد و سرنوشت کودک بدو وابسته است.» نمونه مشابه این باور در اساطیر سایر اقوام نیز به چشم می‌خورد. «در بین قوم وایاگای آفریقای شرقی، وقتی کودکی به دنیا می‌آید، رسم است که در پشت خانه درختی بکارند. از آن پس، از درخت مراقبت می‌کنند؛ زیرا معتقدند که اگر درخت پژمرده شود کودک خواهد مرد» (فریزر، ۱۳۸۷: ۷۸۱) «در میان قبایل تونگای آفریقایی، زمانی که نوزادی به دنیا می‌آید، در پیش درگاه آن خانه یک بوته نی می‌کاشتنند». (رضایی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). در پندار بسیاری از اقوام بند ناف، مو و ناخن، بخشی از روح کودک را در خود جای می‌دهد. «در میان فن‌های کنگوی فرانسه، به هنگام تولد پسر رئیس قبیله بند ناف او را زیر درخت مقدس انجیر دفن می‌کنند.» (فریزر، پیشین). در «آلمان، جفت جنین نوزاد را در پای درخت میوه‌ای به خاک می‌سپارند؛ در اندونزی، آنجا که مشیمه را به خاک سپرده‌اند، گیاهی می‌کارند. در این دو رسم همبستگی سری میان رشد درخت و رشد انسان آشکار می‌گردد» (الیاده، ۱۳۸۷: ۲۹۰).

بر پایه آنچه بدان اشارت شد می‌توان گفت بحث همزاد از قدیم در میان ملل مختلف جهان مطرح بوده و در باب آن افسانه‌های گوناگونی بیان شده است. گفتنی است که پیشینیان معتقد بودند که همراه با تولد هر انسانی موجودی کاملاً شبیه به او از جنس جن و پری خلق می‌شود و همگام با او رشد می‌کند و ممکن است گاهی با یکدیگر ملاقات هم داشته باشند. افسانه‌های مربوط به همزاد در کشورهای جهان و کشور ما حاکی از آن است که در زمان تولد نوزاد یک جن نیز با او متولد می‌شود که از هر لحاظ شبیه به اوست، چه از لحاظ روحی و چه ویژگی‌های بدنی. این تشابه به قدری زیاد است که اگر همزاد انسان دچار شادی یا غم شود در انسان هم تاثیر می‌گذارد و این حالت به صورت عکس هم ممکن است، یعنی با شادی و غم انسان همزادش هم دچار همین حالت می‌شود.

۴. تمبولک^۱: تمبولک نوعی جن مسلمان و مؤمن است که طبق باور در بعضی از باغ‌های نزدیک آبادی‌ها زندگی و از باغ نگهداری می‌کند، بعضی از باغداران روستای محمودی بخش مرکزی میناب بر این باورند که از نزدیک این جن را دیده‌اند و معتقدند که این جن، کشاورزان و باغداران را به هنگام آبیاری یاری می‌رساند و معمولاً افرادی می‌توانند این جن مؤمن را مشاهده کنند که خود نیز پاک و کمتر آلوده به گناه باشند. این جن قدی کوتاه دارد و مانند انسان لباس می‌پوشد و رنگ لباس‌های او سیاه و خاکستری است. این جن هم در روز و هم در شب ظاهر می‌شود. برخی از سالمندان منطقه که از افراد معتمد محلی هستند می‌گویند که این جن را چندین بار مشاهده کرده‌اند.

موجودات شررسان

در باور مردم هرمزگان موجودات وهمی شررسان خبیث هم وجود دارند که عبارت‌اند از: دیو، درونج، گوش‌گلیمی، غول، جهله پهلوی، جهله به گند، مهدی‌سما، ام‌الداس، غراب جنون، بپ دریا، دختر دریا، آل، سیحر، دیب و غلوم زنجیری. این موجودات که تعدادشان نسبت به موجودات اهورایی نیز بیشتر است بسیار بی‌رحم و خشن هستند و در اساطیر و داستان‌های هرمزگان همیشه نقششان منفی است.

۱. دیوها: دیوها در میان اساطیر ایرانی، از جمله موجوداتی هستند که حضور چشمگیری دارند و اغلب در میان درخت‌ها ساکن‌اند. «دئوه‌ها یا دیوها در برابر امشاسپندان قرار می‌گیرند» (آموزگار، ۱۳۸۷: ۱۳). در اساطیر تبت، «دیوی به نام خیاب‌پا، شن - رب را مورد آزار قرار می‌دهد، و یکی از دختران او را می‌رباید. او در طی زمان صاحب دو پسر می‌شود و در نهایت شن - رب دختر خود و فرزندان او را پس می‌گیرد». (کاوندیش، ۱۳۹۰: ۹۶). در اسطوره‌های بابل، «گیلگمش تصمیم می‌گیرد برای قطع کردن درخت سدر به جنگل برود. انکیدو او را از خطر احتمالی آگاه می‌سازد و می‌گوید: در قلب این جنگل غولی به نام هوم‌بابا زندگی می‌کند که نفسش مثل باد و

1. tambolak

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۰۳

توفان است و از دهانش آتش بیرون می‌زند» (گریمال، ۱۳۷۸: ۲۴). در اساطیر اسکانندیناوی، «یمیر غول، کاملاً کشته نشد، بخشی از پیکرش هنوز زنده است و زیر درخت بزرگ یگدرازیل خفته است. هنگامی که پیکر او تکان می‌خورد، زمین می‌لرزد» (بیرلین، ۱۳۸۹: ۶۱).

در باور مردم هرمزگان دیوها، نوع دیگری از اجنه هستند و موجودات نامرئی محسوب می‌شوند. مردم هرمزگان بر این باورند که دیو، هیکلی تنومند با قلبی بی‌رحم و رفتاری خطرناک دارد. در باور و نگاه مردم، دیوها مظهر بدی و شر و مروج قدرت‌های اهریمنی هستند. دیوها دارای کله‌ای شاخ‌دار و بسیار ترسناک‌اند و محل زندگی آنها چاه‌های عمیق، محل‌های تاریک و کوه‌های دور افتاده و... است. دیوها به صورت فردی زندگی می‌کنند و گاهی فقط با جفت خود به سر می‌برند، طبق باور عوام کوچکترین برخورد دیوها با آدم به طور حتم به مرگ و دیوانگی ابدی انسان می‌انجامد. دیوها فقط شب‌ها به خانه‌ها سر می‌زنند و بچه می‌دزدند. بنابراین «دیوها به عنوان چهره‌ای منفی از ساکنان درخت به شمار می‌روند. گاه این دیوها در قالب دیو مؤنث درمی‌آیند و مردان را فریب می‌دهند» (انصاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱). در هرمزگان، بیشتر دیوها به رنگ سیاه هستند. در تیریشست آمده است که تیر به پیکر اسب سفید خورد و آن با دیوی که به شکل اسب سیاه بود، جنگ کرد. نقاشی‌های ژاپنی که بر اساس عقاید آیین بودایی ترسیم شده‌اند، جهنم را نشان می‌دهند که دیوهایی با بدن سرخ، کبود، سبز و زردرنگ، مردگان بدکاره را شکنجه می‌دهند. «هرکدام از رنگ‌های بدن دیوان برای آدمیزاد عجیب و غریب است. به نظر ژاپنی‌ها، معمولی‌ترین رنگ بدن دیوان، سرخ یا کبود است و آنها را با نام‌های آکائونی^۱؛ دیو قرمز و آئوئونی^۲؛ دیو کبود می‌شناسند». (تاواراتانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در افسانه‌های ایرانی دیوها، سیاه، سفید، قرمز یا زرد هستند. همچنان در افسانه «دیو باد هند» به برادران دیو سفید، سیاه و قرمز اشاره رفته است که رنگ دارایی‌شان نظیر اسبان، گوسفندان و قصرشان هم با نامشان مطابقت دارد. اما میان متون ادبی از همه مشهورتر،

1. âkâoni

2. âooni

«دیو سپید مازندران» در شاهنامه است. فردوسی «دیو سپید» را به «کوهی سیاه» تشبیه می‌کند؛ یعنی بدنش سیاه است. اما موی سرش مانند رنگ شیر سفید است (همان: ۱۱۳). در باور مردم هرمزگان دیوان شکل و شمایل عجیب و ترسناکی دارند، گنج دارند، تغییر شکل می‌دهند، خرابی هوا بوجود می‌آورند، کار دیوها وارونه است، کودن و ساده‌ لوح هستند، گروهی کار می‌کنند و هراسناک و نعره‌کشان با زور بسیار به آدمیان حمله‌ور می‌شوند و در غارهای مه‌آلودشان از اشیای جادویی و باارزش نگهداری می‌کنند. باید این نکته را در نظر داشت که دیو، ضد قهرمان همیشگی در اسطوره‌ها و افسانه‌های دنیا است. این موجود، از بزرگ‌ترین مشکلاتی است که سد راه قهرمان می‌شود. قهرمان با مغلوب کردن او، که نشانگر توانایی‌اش است، به موفقیت و آرزوی خویش می‌رسد.

۲. **درنج**^۱: نوع دیگری از جن‌ها، دُرُوج یا درنج‌ها هستند که در باورهای هرمزگان، شبیه پیرزنی کوتوله و مکار و بسیار خسیس و بدجنس است. موهای سرش بسیار بلند و اندامش آدمی را به وحشت می‌اندازد، با انسان‌ها کینه و دشمنی دیرینه دارد. در بیابان‌های بزرگ و نقاط دورافتاده زندگی می‌کند. غذایش گوشت حیوانات، کودکان و انسان‌های نیکوکار است. درنج‌ها بسیار وحشتناک‌اند و خود را شبیه هر چیزی درمی‌آورند و بسیار مردم‌آزار و ستمگر هستند. این موجودات، حیوانات آدم‌نما هستند که در کوه زندگی می‌کنند، ریش‌های بلند و ژولیده و ابروهای کلفت و بینی پهن و بزرگ دارند. درنج‌ها، دخترپچه‌های کوچک را می‌دزدند و از آنها مواظبت می‌کنند تا بزرگ شوند و به عنوان جفت از آنها استفاده نمایند. درنج‌ها دهشت‌بارترین دیوانی‌اند که انسان را گرفتار قهر خود می‌سازند.

۳. **گوش گلیمی**^۲: گوش گلیمی یکی دیگر از موجودات وهمی است که از نظر مردم عامی هرمزگان جثه‌اش اندازه بز و دو گوش اندازه گلیم دارد. این موجود، وقتی می‌خواهد یک گوشش به عنوان زیرانداز و گوش دیگرش را به عنوان روانداز به کار

1. doronj

2. guš gelimi

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۰۵

می‌برد. در *برهان قاطع* آمده: «گلیم گوشان مردمی بوده‌اند مانند آدم، لیکن گوش‌های آنها به مرتبه‌ای بزرگ بوده که یکی را بستر و دیگری را لحاف می‌کرده‌اند و آنها را گوش‌بستر هم می‌گویند. در *برهان قاطع* چاپ هندوستان، ذیل واژه المخلوقات آمده: «گروهی بود ایشان را منسک خوانند و ایشان در جهت مشرق نزدیک یاجوج و ماجوج بر شکل آدمی بودند و مرایشان را گوش‌هایی بود مانند گوش فیل. هر گوش، مانند چادر باشد چون خواب کنند یکی از آن دو گوش بگسترانند و گوش دیگر چادر کنند» (برهان قاطع، ۵۸۴)

۴. **غول:** از انواع دیگر موجودات وهمی و شیطانی غول‌ها هستند. مردم هرمزگان بر این باورند که غول شبیه انسانی است که بدنی پر از موهای بلند دارد و باهوش است. در برخورد با انسان بسیار خطرناک می‌شود. غول‌ها به همراه جفت خود در کوه‌های بلند زندگی می‌کنند و از گوشت حیوانات و ریشه درختان تغذیه می‌کنند.

۵. **جهله‌پهلو^۱:** جهله‌پهلو، موجودی وهمی و شررسان است که دشمن کودکان است و در بیابان‌های دوردست مسکن دارد. این موجود ترسناک، دارای دهان و بینی بسیار بزرگ است و در باور مردم هرمزگان مظهر رعب و وحشت است. شایان ذکر است که جهله نوعی کوزه سفالی است که جهت نگهداری آب در دوران گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۶. **جهله به گند^۲:** جهله به گند، موجودی بلند قامت است که پاهایش در زمین و سرش در آسمان است و دو زائده بزرگ و جهله^۳ مانند در پشت دارد، که از قسمت کمر تا کف پایش آویزان است، لباسش ماشو^۴ است و بیشتر در گذرگاه‌ها و محل عبور و مرور مردم قرار می‌گیرد، هر که از او نترسد می‌تواند از زیر پایش عبور کرده و به راهش ادامه دهد و هر که از او بهراسد با دیدنش غش کرده و از حال می‌رود، یا اینکه جهله به گند، زائده‌های خود را به روی آن شخص می‌اندازد و او را می‌کشد.

1. jahlapahlu
2. jahlabagond

۳. کوزه.

۴. لباسی از موی بز

۱۰۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۷. مهدیسیما یا مهدوسمال^۱: از موجودات خیالی و افسانه‌ای دیگر، مهدیسیما یا مهدوسمال یا محمدسمال است. شکل ظاهری این موجود خیالی و اساطیری همچون آدمیان است و قدی بلند دارد و در دریاها و گاه در خشکی و مکان‌های خلوت زندگی می‌کند. این دیو، به تنهایی زندگی می‌کند و از این قدرت برخوردار است که خود را نامرئی نماید. این موجود فقط افراد شرور، گناهکار و بی‌پروا را مورد آزار قرار می‌دهد و با مردمان دیگر کاری ندارد. کار این موجود خیالی، آزمایش دل و جرئت جوانان و مردمان است و در برخورد با او نباید ترس را به خود راه داد (سعیدی، ۱۳۸۶: ۴۵۲).

به این موجود، محمدسمال نیز می‌گویند. این موجود بسیار قدبلند، لباسی سفید بر تن دارد و سر راه هر کسی ظاهر شود، شه یا شه‌لنگ^۲ می‌زند و می‌ایستد و حرف هم نمی‌زند. اگر کسی با دیدن او گرفتار خوف و هراس شود، یقیناً به هلاکت می‌رسد. اگر بخواهد مسیرش را تغییر دهد و دور بزند محمدسمال او را دنبال می‌کند. اگر او را گرفتار سازد مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد و چاره آن است که از وسط دو پایش عبور کند. اگر آن شخص با جرئت باشد و در هنگام انجام این عمل از خود ترس نشان ندهد، نجات پیدا می‌کند.

۸. ام‌الداس^۳: از موجودات افسانه‌ای دیگر سواحل جنوب، ام‌الداس یا مملداس یا مملداس یا ملوداس یا مریم‌داس است که جانوری خیالی است که از دریا بیرون می‌آید و انسان‌ها را از بین می‌برد. طبق باور عوام، ام‌الداس در روز چهارشنبه به سراغ مردی می‌رود که تنها خوابیده و او را به سمت دریا می‌کشاند. مملداس همیشه خود را به صورت زنی آراسته به زیور و معطر و خوشبو و خوش‌لباس درمی‌آورد و فقط مردها و جوانان مورد نظر او هستند. این موجود با ظاهر زیبایش مردها را می‌فریبد و آنانی که هوسران هستند در دام این موجود کشنده و خوش‌قیافه گرفتار می‌آیند. پاهای داس‌مانند این موجود وهمی، گرفتاران را دو نیم می‌کند. این موجود با زن‌ها کاری ندارد. مملداس در کوه‌ها و بیابان‌ها و مکان‌های خلوت و بیشتر در نیمه‌های شب نمایان

1. mahdismâ/ mahdosmâl

۲. پاها را دور هم نگه می‌دارد.

3. ommoddâs

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۰۷

می‌شود. او با برق چشمان خیره‌کننده‌اش و خنده‌ای که بر لب دارد هر مردی را به سوی خود جذب می‌کند. اگر مردی از ام‌الداس شناخت کافی داشته باشد، می‌داند باید مثنی خاک در چشمان ام‌الداس بپاشد و به سرعت از آن محل دور شود. در اساطیر یونان، شخصیتی به نام «لیلیت»^۱ وجود دارد که شبیه «ام‌الداس» است. یونانی‌ها لیلیت را یک زن نیمه‌انسان و نیمه‌حیوان تصویر می‌کنند که مردهای خفته را در عالم خواب می‌فریبد و از بین می‌برد.

۹. غراب جنی^۲ یا غراب شیطان^۳: اهالی هرمزگان به کشتی‌هایی که با نیروی بخار حرکت می‌کنند، غراب می‌گویند. در افسانه‌های هرمزگان آمده است: غراب شیطان، کشتی‌ای است که هنگام توفان و باد در دریا پدیدار می‌شود و ناگهان غیب می‌شود. غراب شیطان بادبان ندارد و بیشتر شب‌ها در دریا نمایان می‌شود. دارای چراغ‌های رنگارنگ است و از داخل آن صداهای وهم‌انگیز و ترسناک به گوش می‌رسد. «دریانوردان وقتی با غراب شیطان روبه‌رو می‌شوند، فریادزنان شروع به دعا خواندن و اذان گفتن می‌کنند و این قدر این کار را تکرار می‌کنند تا غراب شیطان ناپدید شود و از این بلا و مصیبت نجات یابند» (دریایی، ۱۳۸۴: ۹۴). دریانوردان هرمزگانی می‌گویند که کشتی جن‌ها را دیده‌اند. آنها کشتی بسیار بزرگ را تصویر می‌کنند که از عرشه تا عقب آن چراغانی شده است و سرعت غیرطبیعی دارد. این کشتی بر روی دریاهای بزرگ دیده می‌شود. صیادان هرمزگانی عقیده دارند: این کشتی با چنان سرعتی به سمت قایق‌رانان می‌آید که گویی می‌خواهد قایق آنها را غرق کند، ولی این کشتی هرگز به قایق آنها نمی‌رسد. و فقط به نیت ترس قایق‌رانان این کار را می‌کند تا آنها خود را به دریا بیفکنند. اگر کسی بخواهد به سمت آن برود هر قدر هم که سرعت داشته باشد، هرگز به آن نمی‌رسد و این کشتی در یک لحظه غیب می‌شود. در کتاب شناخت اساطیر ایران، آمده است: «غراب جنون کشتی اجنه است که در تاریکی شب با چراغ روشن بر خشکی حرکت می‌کند» (هینلز، ۱۳۷۷: ۱۷۵).

1. Lilith

2. qorâb jenni

3. qorâb şeytân

۱۰. **پپردیریا یا پپردیریا^۱**: یکی از موجودات وهمی که از زمان‌های قدیم در دل ساحل نشینان و دریانوردان رعب و وحشت ایجاد کرده، شخصیتی به نام پپردیریا، پپردیریا، پپردیریا یا بپ‌دریا است. «هرمزگانی‌ها اعتقاد دارند که بپ دریا، حاکم و فرمانروای دریاست. از لحاظ فیزیکی و ظاهری، این شخصیت شکل انسان سیاه‌پوست است که صورتی سیاه و زشت مانند میمون دارد؛ بدن این موجود سخت و برنده با پوشش سنگ است. بپ‌دریا در اطراف ساحل و دریاها وجود دارد. افراد باتجربه می‌گویند: «بپ دریا بیشتر در اطراف جزایر استان هرمزگان وجود دارد و در دریاها سرگردان است. بپ دریا، زمانی که با شخصی روبه‌رو شود سعی می‌کند که او را اذیت نماید، به همین دلیل مردم هرمزگان بچه‌های خود را از تنها رفتن به دریا بخصوص در شب منع می‌کنند. همچنین ناخدایان و ملوانان در طول مسافرت دریایی از قرار گرفتن در سطح لنج خودداری می‌کنند، چرا که امکان حمله بپ‌دریا می‌رود» (بهمنی چاهستانی، ۱۳۹۲: ۱۱۱). کسی در مورد جن بودن یا جانور بودن این موجود نظری نداده است و مردم هرمزگان صرفاً او را با نام بپ‌دریا می‌شناسند، که موجودی شبیه انسان با بدنی چرب و براق و کاملاً ساده با چشمانی از حدقه بیرون زده است، مانند انسان روی دو پا راه می‌رود و دارای چهار انگشت بوده و شصت ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند انسان‌ها را بگیرد. بسیاری از آدم‌ها به واسطه نبودن همین انگشت شصت می‌توانند از دست او فرار کنند. از خصوصیات دیگر این موجود، قد بسیار بلند با هیكلی عظیم است، کف پاهایش بسیار پهن و دراز همانند کفش‌های غواصی است. می‌گویند در گذشته که مردم به دور کمر خود نخ ماهیگیری می‌بستند، بپ‌دریا وقتی که می‌خواست آنها را بگیرد، چهار انگشت خود را داخل این نخ‌ها می‌انداخت و آنها را با خود به اعماق آب می‌برد و دیگر اثری از آنها دیده نمی‌شد. این موجود می‌تواند از درون دریا به طرف ساحل دریا حرکت کند. این موجود بسیار قدرتمند و قوی هر زمانی که از اعماق دریا بیرون بیاید، جاشوان و دریانوردان را طعمه خود می‌کند. غلامحسین ساعدی در کتاب *اهل هوا* در مورد بپ دریا چنین می‌نویسد: «بپ‌دریا، موجود افسانه‌ای دریاهاست. هیكلی شبیه به آدم

1. paper diryâ/ baper diryâ

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۰۹

دارد با بدنی که از کالنگ^۱ پوشیده شده است. دست‌های بسیار بلندش انگشت شصت ندارد و بیشتر در اطراف سواحل هند یا سواحل آفریقا ظاهر می‌شود. ملوانان ایرانی مجسمه او را در بمبئی و سایر شهرهای هند زیاد دیده‌اند که روی زانو نشسته است. بپ دریا یا بابای دریا، در دریا‌های بزرگ و عمیق زندگی می‌کند. در هوای توفانی از آب بیرون می‌آید، اگر کسی تنها کنار ساحل نشسته باشد، او را می‌گیرد و به ته دریا می‌کشد و به کشتی‌ها حمله می‌کند و سعی می‌نماید که یک یا دو نفر از ملوانان را بگیرد و با خود به ته دریا ببرد» (ساعدی، بی تا: ۶۷). «بپ دریا، تنها از صدای آهن وحشت دارد و اغلب اوقات حتی از شنیدن نام یک وسیله فلزی فرار می‌کند. هر وقت بابای دریا پیدا می‌شود، ملوانان فریاد برمی‌آورند: تیشه بیاور، اره بیاور، تبر بیاور و در آن هنگام دو تکه آهن را محکم به هم می‌کوبند. در لنج‌های ایرانی مرسوم است با دیدن سایه‌های بابای دریا، کارد کهنه‌ای را تند تند روی لنگر لنج بکشند و به عربی فریاد زنند: «حدید، حدید» (همان: ۱۱۲). در اساطیر یونان، ایزدی به نام اکئانوس^۲ وجود دارد که حاکم و فرمانروای دریاهاست همان‌گونه که در اعتقاد مردم هرمزگان و دیگر ساحل‌نشینان خلیج فارس بپ دریا حکمران دریاست، با این تفاوت که اکئانوس، خدای دریاها به عنوان شخصیت مثبت در اساطیر یونان بوده، ولی بپ دریا شخصیتی منفی و منفور است. بدن بپ دریا از عناصر مختلف طبیعت یعنی انسان، حیوان دریایی و اجسام سخت است. می‌گویند: «قسمت‌های بیرونی بدن این شخصیت از ماده‌ای سخت و خشن بوده که می‌تواند معرف خشونت درونی در وجود این شخصیت باشد» (همان)

۱۱. **دختر دریا:** در هرمزگان به نوعی جن به نام دختر دریا اعتقاد دارند. می‌گویند دختر دریا، در دریا زندگی می‌کند و همیشه آنجا در حال تکان دادن گهواره است. چنانچه مردی در دریا مشغول شنا کردن باشد و قسمتی از بدن او به گهواره دختر دریا برخورد کند، دختر دریا آن مرد را دیوانه، بیمار یا کر و لال خواهد کرد. بعضی‌ها بر این باورند که «دختر دریا از سر تا کمر شبیه دختر است، اما پاهایش به هم چسبیده و مانند

۱. صدف‌های درشت

دم ماهی است. هر شخصی که با دختر دریا تماس پیدا کند؛ بیمار می‌شود و باید نزد ملای محلی برود تا با خواندن دعا او را مداوا کند» (حسنی، ۱۳۸۲: ۴۹۴).

۱۲. آل: از دیگر موجودات خیالی در استان هرمزگان آل است که دشمن زنان زائو است. به همین دلیل، بعد از وضع حمل زائو، اطرافیان او مراقب هستند که آل، زائو را آزار و اذیت نرساند و برای این منظور محل استراحت زائو را با نخ‌های موی گوسفند محصور می‌کنند و وسیله‌های فلزی مانند داس، چاقو، دیلم و... را زیر بالش او قرار می‌دهند، زائو را تنها نمی‌گذارند چون معتقدند که آل از فرصت استفاده نموده و نوزاد و مادرش را به کام مرگ می‌رساند. در کتاب *شناخت اساطیر ایران* آمده است: «آل باشنده‌ای است که تنها زنان زائو را در ده روز اول زایمان می‌آزارد و دل و جگر آنان را بیرون می‌کشد و اگر آنها را به آب بزند زائو می‌میرد. آل صورتی سرخ‌رنگ، موی حنایی و دارای بینی خاک‌رسی است. هنوز هم در مناطق دور افتاده روستایی سیخی از پیاز و گاه شمشیری برهنه یا تفنگی در اتاق زائو قرار می‌دهند تا آل را از ورود به اتاق زائو باز دارند» (هینلز، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۱۷۴). اعتقاد به آل در اکثر کشورها آسیای میانه وجود دارد: آل یک گونه از موجودات اهریمنی در باور مردمان قفقاز، ایران، آسیای میانه و بخش‌هایی از جنوب روسیه است. در باورهای سنتی، نقش آل‌ها در تولیدمثل انسان‌هاست. آل‌ها در مناطق گوناگون دارای نام‌های مختلفی هستند مثلاً در ارمنستان به آلك، در میان کردها به آل، در افغانستان و تاجیکستان به هال یا خال، در کشورهای ترک‌زبان آسیای میانه به آلباستی یا آلماستی و در میان مردم کشمیر و بدخشان به هالماستی معروف‌اند. (انصاری و همکاران، ۱۳۹۱).

«در روایات ارمنی، آل‌ها، قلب و شش زن در حال زایمان، زن آبستن و زنی تازه زایمان کرده را می‌زدند و سبب مرگ او می‌شوند» (همان). آنها همچنین با آسیب رساندن به جنین در زهدان مادر، سبب سقط جنین می‌شوند. آل‌ها نوزادان زیر چهل روز را دزدیده و اقدام به تعویض آنها با بچه خود یا بچه جن می‌کنند. آل‌ها نیز مانند انسان‌ها دارای دو جنس مؤنث و مذکر هستند.

بررسی موجودات وهمی در فرهنگ مردم هرمزگان ❖ ۱۱۱

۱۳. **سیحر**^۱: سیحر زنی است ۵۰ ساله، با بینی پهن و کلفت و صورت زشت و موهای زبر که لباس عربی سیاه پوشیده و یک روبند بزرگ بر صورت دارد و یک تک^۲ و سبد و یک چاقوی بزرگ هم به دست گرفته است. همیشه در حال گردش است و از هر جوانی که خوشش بیاید چه دختر و چه پسر با نگاه‌های خود دل آن جوان را درمی‌آورد و درون سبدش می‌گذارد و بعد می‌خورد، این موجود نیروی فوق‌العاده‌ای دارد از این رو نمادی از شخص زرنگ و پرکار نیز هست.

۱۴. **دیب یا دیو**^۳: دیب یا دیپ یا دیو «یک نوع جن است که از آسمان آمده است و دریا را متلاطم و گِل‌آلود می‌کند و اگر به کشتی یا لنج برخورد کند، آن را غرق خواهد کرد و در صورتی که به انسان برخورد کند شخص بیمار می‌شود» (فلسفی میاب و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۳۲).

۱۵. **غلوم زنجیری**^۴: غلوم زنجیری نیز یکی دیگر از جن‌ها در باورهای مردم هرمزگان است که مکانش در اطرف قبرستان‌ها بخصوص در کنار قبرستان شاهچراغ واقع در روستای محمودی میناب است. این جن شبیه انسانی با قدی بلند و هیكلی تنومند و کشیده و به رنگ سیاه، پر مو و بدون لباس است. این جن، زنجیری در دو طرف دارد که از هر طرف طول آن به پنجاه متر می‌رسد. هر گاه غلوم زنجیری انسانی را ببیند؛ زنجیرش را می‌چرخاند و به طرف هر کس که کنار اوست پرت می‌کند، اگر زنجیر به بدن فرد برخورد نکند آن شخص بیهوش می‌شود و ممکن است نجات پیدا کند در غیر این صورت اگر زنجیر به او اصابت کند، در دم جان می‌سپارد (سعیدی، ۱۳۹۳: ۹۵).

1. siher

۲. حصیر نخلی

3. dib/ dive

4. qolumzanjiri

۱۱۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جمع بندی

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اعتقاد به موجودات و پدیده‌های ماورای طبیعی گوشه‌ای از فرهنگ مردم هرمزگان را به خود اختصاص می‌دهد. این فرهنگ، تحت تأثیر موجودات سحرآمیز اساطیری وهمی و نامرئی آن قرار می‌گیرد. موجودات اساطیری در تصورات مردم هم خاص و هم عام، با شدت و ضعف‌هایی وجود دارد. چنانچه مردم در هرمزگان به دو دسته از موجودات وهمی: اهورایی و خوش‌یمن، اهریمنی و بدیمن، اعتقاد دارند. موجودات وهمی خوش‌یمن در هرمزگان چهار نوع‌اند: پری، همزاد، تمبولک و پری دریایی. پری دریایی به عنوان موجودی ماورای طبیعی در فولکلور و فرهنگ عامه آسیبی جدی به انسان نمی‌رساند. پری در رهگذر سیر عقلائی و خرد اساطیری، جلوه‌ای زمینی یافته و به دختری زیبارو و پری‌چهره تبدیل شده، با این حال همچنان موجودی شگفت‌انگیز است. همچنین همزاد در باورهای قدیمی عوام در ایران وجود داشته و در فرهنگ مردم هرمزگان جن زاده‌ای است که هم‌زمان با فرد متولد و گاه موجب آزار همزاد انسان شده و گاه او را به سعادت و ثروت می‌رساند و در بسیاری از قصه‌های مردمی، قهرمان قصه با همزادهای خویش رابطه‌ای دوستانه دارد. تمبولک نیز نوعی جن مسلمان و مؤمن است که طبق باور مردم در بعضی از باغ‌های نزدیک آبادی‌ها زندگی کرده و نگهبان آن است و کشاورزان را به هنگام آبیاری کشتزارها یاری می‌دهد.

در باور مردم هرمزگان موجودات وهمی اهریمنی و خبیث هم وجود دارد که عبارت‌اند از: دیو، درنج، گوش‌گلیمی، غول، جهله پهلوی، جهله به‌گند، مهدی‌سما، ام‌الداس، غراب جنون، بپ دریا، دختر دریا، آل، سیحر، دیب و غلوم زنجیری. این موجودات، که تعدادشان نسبت به موجودات مهربان نیز بیشتر است بسیار بی‌رحم و خشن و در اساطیر و داستان‌های هرمزگان همیشه نقش منفی دارند. از منظر شکل ظاهر بسیار زشت و خشن و دشمن دیرین آدمی‌اند. دیو، هیکلی تنومند با قلبی بی‌رحم و رفتاری خطرناک است. در باور و نگاه مردم، دیو مظهر بدی، شر و مروج قدرت‌های اهریمنی است و خطر آن به مراتب بیشتر از جن و پری است. دیوها در ادبیات، چهره منفوری دارند.

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷). تاریخ اساطیری ایران. چ ۱۲. تهران: سمت.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). دانشنامه اساطیر. تهران: اسطوره.
- اسمیت، ژوئل (۱۳۸۳). فرهنگ اساطیر یونان و روم. تهران: روزبهانی.
- افشاری، مهران (۱۳۸۷). تازه به تازه نو به نو. تهران: چشمه.
- الیاده، میرچا (۱۳۸۷). اسطوره، رویا و راز. ترجمه رویا منجم. تهران: علم.
- انصاری، زهرا؛ جمالی، عاطفه؛ زارعی، بدریه (۱۳۹۱). «نمودهای باور اساطیری ذی روح بودن درخت در قصه‌های عامیانه هرمزگان» پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان. ش ۴. صص ۸ - ۴۲.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: نشر آگه.
- بهمنی چاهستانی، مریم (۱۳۹۲). «جایگاه قصه‌های عامیانه در ادبیات شفاهی هرمزگان»، پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، ش ۵. صص ۱۰۶ - ۱۱۸.
- بیرلین، ج. ف (۱۳۸۹). اسطوره‌های موازی. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها. ج ۱ و ۲. تهران: اساطیر.
- تاواراتانی، ناکو (۱۳۸۳). دیو از افسانه تا واقعیت. تهران: بهجت.
- حسنی، حمیدرضا (۱۳۸۲). مردم‌نگاری بندرلنگه و بستک. بندرعباس: میراث فرهنگی.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۳۱). برهان قاطع، هندوستان.
- دریایی، احمد نور (۱۳۸۴). مراسم آیینی و فولکلور مردم بندرکنگ. تهران: احسان.
- دزگانی، فاطمه (۱۳۹۳). باورهای سینه به سینه هرمزگان. قم: دارالتفسیر.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳). آفرینش، مرگ در اساطیر. تهران: اساطیر.
- ساعدی، غلامحسین (بی‌تا)، اهل هوا. تهران: بی‌نا.
- سعیدی، سهراب (۱۳۸۶). فرهنگ مردم میناب. تهران: ائلشن.
- _____ (۱۳۹۳). باورها و عقاید مردم هرمزگان. قم: دارالتفسیر.

❖ ۱۱۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- شوالیه، ژان؛ گربران، آلن (۱۳۸۷). **فرهنگ نمادها**. ترجمه سودابه فضاییلی. تهران: جیحون.
- صرفی، محمدرضا (۱۳۹۱). **باورهای عامیانه کرمان**. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۷). **شاخه زرین**. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگه.
- فلسفی میاب، علی؛ ابوالفتحی، مریم؛ بتاوند، سهراب (۱۳۷۹). **مردم‌نگاری قشم**. بندرعباس: سازمان میراث فرهنگی.
- کاوندیش، ریچارد (۱۳۹۰). **دایرةالمعارف مصور اساطیر و ادیان مشهور جهان**. ترجمه رقیه بهزادی، تهران: علمی.
- گریمال، پیر (۱۳۷۸). **فرهنگ اساطیر یونان و روم**. تهران: امیرکبیر.
- وثوقی، منصور؛ نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۴). **مبانی جامعه‌شناسی**. چ ۹، تهران: خردمند.
- هینلز، جان راسل (۱۳۷۷). **شناخت اساطیر ایران**. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چ ۵، تهران: چشمه و نی.